

بررسی تأثیر تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه

سیما زارع متخصص^۱، علیرضا رام روز^۲، مهدی نقدی بهار^۳

^۱کارشناسی ارشد حسابرسی، دانشگاه آزاد تهران شمال، تهران، ایران
^۲آستادگروه حسابداری، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران
^۳آستادگروه حسابداری، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران

چکیده

در پی وقایع ناگوار و بحران های به وجود آمده در بورس های جهان به ویژه در سپتامبر ۱۹۹۷ و سپس افشای ماجرای ورلد کام، انرون، زیراکس و پارمالات در سطح جهان و سقوط شاخص های بورس تهران در سال ۱۳۸۳، موضوع شفافیت صورت های مالی به عنوان یک پدیده مورد لزوم اهمیت بیشتری را به خود اختصاص داد. از زمان افشاسازی تقلب های حسابداری و پنهان سازی های مالیاتی متهورانه شرکت ها طی ۲۰ دهه گذشته قانونگذاران و دانشگاهیان گزارشگری فزاینده مالی و مالیاتی متهورانه را مورد توجه قرار داده اند. در حقیقت برخی شرکت ها تمایل دارند سود دفتری بیشتری برای سهامداران و سود مشمول مالیات کمتری برای مقامات مالیاتی گزارش نمایند و همچنین مدیران ارشد مالی نقش مهمی در گزارشگری مالی ایفا می کنند و می توانند به طور مستقیم بر کیفیت صورت های مالی شرکت های خود اثر بگذارند. هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه می باشد. داده های پژوهش از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ در شرکت های مورد بررسی جمع آوری شده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار Eviews جهت آزمون های مربوطه و آمار توصیفی استفاده شده است. وجود رویکرد گزارشگری مالی متهورانه را نتیجه ادراک سوگیرانه مدیران از استانداردهای حسابداری به منظور رسیدن به برتری شکل بر متحوا دانسته است نتایج تحقیق نشان داد، تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی ومدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه تأثیرگذار است. تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی ومدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی برحق الزحمه حسابرسی تأثیر گذار است. با توجه به نتایج پژوهش به سهامداران و سرمایه گذاران پیشنهاد می شود به این مهم توجه داشته باشند که مدیران مالی که قبلاً مدیران حسابرسی یا شرکای حسابرسی بوده اند، نسبت به مدیران مالی بدون تجربه حسابرسی قبلی، گزارشگری متهورانه ی کمتری دارند. لذا، ذهنیتی که حسابرسان در طول مدت فعالیت خود در حسابداری عمومی ایجاد می کنند - که بایستی به گزارشگری مالی بی طرفانه، شفاف و محافظه کارانه اهمیت دهد به نظر می رسد زمانی که حسابرسان سمت های سطح بالایی را در صنعت می گیرند، تداوم می یابد. همچنین رفتار گزارش دهی مدیران مالی حسابرسی قبلی در طول زمان متهورانه تر می شود، چراکه تجربه حسابرسی آن ها کاهش می یابد. نتایج این پژوهش می تواند در بازنگری و اصلاح نظر ذی نفعان و استفاده کنندگان اطلاعات را به نحو بهتری جلب نماید.

کلیدواژه ها: تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی، حق الزحمه حسابرسی، گزارشگری مالی متهورانه

۱-مقدمه

گزارشگری مالی متهورانه تحریف یا حذف عمدی مبالغ یا موارد افشا از صورتهای مالی برای فریب استفادهکنندگان صورتهای مالی است (آزاد، ۱۳۹۱). گزارشگری مالی متهورانه به آن گروه از روشهای حسابداری اطلاق می‌شود که با استفاده از آن، موقعیت مالی شرکت به نحو مطلوب ارائه می‌شوند (رحیمیان، ۱۳۹۵). مدیران شرکت‌ها از طریق گزارشگری مالی متهورانه و سایر شکل‌های مدیریت سود می‌توانند سود گزارششده را تغییر دهند و سود خاصی را به دست آورند. گزارشگری مالی متهورانه به میزان تعهدات و الزامات در انتخاب گزارشگری مالی که منجر به تجدید ارائه درآمدها و صورتهای مالی و تقلبات حسابداری می‌شود، اشاره می‌کند. مدیران شرکت‌ها ممکن است به منظور حفظ منافع شخصی خود مبادرت به دستکاری ارقام سود نموده و یا به اصطلاح گزارشگری متهورانه مالی داشته باشند (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۶). از آنجایی که محاسبه سود خالص یک بنگاه اقتصادی، تحت تأثیر روش‌ها و برآوردهای حسابداری است و اهداف مدیریت نیز با سهام داران هماهنگ نیست - نظریه نمایندگی - امکان دستکاری سود وجود دارد. این کار با نزدیک کردن سود گزارش شده به میزان سود هدف (آستانه) انجام می‌شود. اجتناب از گزارش زیان، گزارش زیان، گزارش شده به میزان سود هدف (آستانه) انجام می‌شود. اجتناب از گزارش زیان، گزارش وضعیت مطلوب مؤسسه به لحاظ سودآوری در سال‌های آتی و همسو کردن گزارش سود مؤسسه با پیش بینی تحلیل‌گران، از جمله دلایل برای دستیابی به، سود هدف هستند (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۷).

پژوهش‌های قبلی مرتبط با گزارشگری مالی بیان می‌کنند که مدیران اجرایی بر تصمیمات مهم گزارشگری مالی و استراتژیک تأثیر می‌گذارند. برای مثال، برتراند و اسکوار (۲۰۰۳) مدیران ارشد فردی را در شرکت‌های مختلف در طول زمان بررسی کردند و دریافتند که اثرات ثابت مدیر در تصمیم‌گیری‌های خرید و تنوع‌بخشی، سیاست‌های تقسیم سود و کاهش هزینه و پوشش نرخ بهره مهم است. محققان همچنین خاطر نشان می‌کنند که مدیران «به نظر می‌رسد در رویکردشان نسبت به رشد شرکت و تهور مالی متفاوت هستند» (برتراند و اسکوار ۲۰۰۳). در یک مطالعه مرتبط، بامبر و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که اثرات ثابت مدیر با افشاهای مالی داوطلبانه مرتبط است. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که مدیران با سوابق حسابداری و امور مالی، سبک‌های افشایی دارند که محافظه‌کارانه‌تر و دقیق‌تر هستند. مدیران ارشد مالی نقش مهمی در گزارشگری مالی ایفا می‌کنند و می‌توانند به طور مستقیم بر کیفیت صورتهای مالی شرکت‌های خود اثر بگذارند (کاندیه و همکاران^۱، ۲۰۲۱).

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

گزارشگری مالی متهورانه در مقابل گزارشگری مالی محافظه‌کارانه قرار دارد. به بیان دیگر، منظور از گزارشگری مالی متهورانه، بکارگیری درجه پایینی از محافظه‌کاری در تهیه صورتهای مالی است. به نظر واتز (۲۰۱۵^۲) استفاده از رویه‌های های گزارشگری متهورانه بدین معنی است که شرکت گزارش اخبار بدرا به تأخیر اندازد، اما در گزارش اخبار خوب، سرعت عمل نشان دهد. بدین ترتیب گزارشگری متهورانه همانند گزارشگری محافظه‌کارانه به نوعی انحراف از گزارشگری واقعیت‌ها است و سطح شفافیت اطلاعاتی شرکت را کاهش می‌دهد و سرمایه‌گذاران نمی‌توانند با استفاده از اطلاعات شرکت، قیمت سهام آن را به درستی تعیین کنند و حتی انگیزه جمع‌آوری اطلاعات مربوط به شرکت را قبل از اقدام به داد و ستد سهام آن از دست می‌دهند (رضازاده، ۱۳۹۳).

تجربه حسابرسی، تجربه فرآیند حصول دانش یا مهارت در یک مقطع زمانی خاص است که از طریق مشاهده و انجام دادن کاری حاصل می‌شود (الهی و همکاران، ۱۳۹۳). تجربه برای انسان همانند نور خفیف یک کشتی است که فقط راه را روشن می‌کند. از نظر اسپنسر تجربه نوعی آزمایش یا آزمون. شخصی که در یک حوزه تجربه بیشتری دارد اقلام بیشتری را در حافظه خود دارد و درک خوبی نسبت به فراوانی نسبی رویدادها دارد. علاوه بر آن، تجربه زیاد منجر به ساختار طبقه بندی پیچیده تر می‌شود. حسابرسان با تجربه، بهتر می‌توانند اشتباهات را شناسایی کنند و توضیحات قابل قبول تری درباره

¹ Condie² watz

اشتباهات گزارشهای مالی فراهم کنند (بستانیان، ۱۳۹۳)، اگر چه حسابرسی که به طور متوسط با تجربه تر بودند کارایی بیشتری نسبت به حسابرسان کم تجربه تر از خود نشان دادند؛ اما معلومات و استعدادهای ذاتی، متغیرهای بهتری برای توضیح عملکرد جلوه نمود. کسب این استعداد تا حدی ذاتی و تا اندازه‌های نیز اکتسابی است. همه افرادی که تجربیات مشابهی در یک زمینه دارند لزوماً استعداد یکسانی در حل مسائل نخواهند داشت. در حقیقت حسابرسان مجرب و با معلوماتی که استعداد حل مسائل را ندارند فاقد دانش تخصصی لازم برای بعضی از کارهای حسابرسی خواهند بود (مهام، ۱۳۹۷).

مدیران ارشد مالی نقش مهمی در گزارشگری مالی ایفا می‌کنند و می‌توانند به‌طور مستقیم بر کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های خود اثر بگذارند. مطالعات وسیع‌تر نشان می‌دهد که برخی از ویژگی‌های گزارشگری مالی متهورانه با پیامدها و نتایج بهتر مرتبط است. برای مثال، شرکت‌هایی با مدیران مالی که تجربه، مدارک تحصیلات و/یا گواهینامه CPA دارند، تجدید ارائه صورت‌های مالی کمتری دارند. درحالی‌که شرکت‌هایی با مدیران مالی که دارای این نوع ویژگی‌ها نیستند، احتمال بیشتری دارد که نقاط ضعف کنترل داخلی را گزارش کنند. (لی و همکاران^۱ ۲۰۱۸). هویتاش و همکاران^۲ (۲۰۱۶) دریافتند که مدیران مالی با پیشینه حسابداری پیامدهای شرکتی محافظه‌کارانه‌تری دارند. به‌طور خاص، آن‌ها دریافتند که این مدیران مالی در صنایع با رشد کم کارایی هزینه بیشتری نشان می‌دهند و کمتر در هزینه‌های سرمایه‌ای و تحقیق و توسعه در صنایع با رشد بالا سرمایه‌گذاری می‌کنند. اخیراً آلبرشت و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهد که احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی به‌طور گسترده با تجربه حسابرسی قبلی مدیران سطح بالا مرتبط نیست. باین‌حال، زمانی که تجربه حسابرسی قبلی با پاداش مازاد بالا ترکیب شود، احتمال تجدید ارائه افزایش می‌یابد. این یافته‌ها محققان را به این نتیجه می‌رساند که ممکن است یک «ضعف» در صلاحیت حسابداری مدیران اجرایی وجود داشته باشد (موریل و ویلکینز^۳ ۲۰۱۹). در شرایط طبیعی، هیچ فرایند معارفه تازه‌واردی، تمام اثرات نقش قدیمی را قبل از به عهده گرفتن نقش جدید پاک نمی‌کند. در عوض، افراد تازه‌وارد داوطلبانه تغییر نقش را انجام می‌دهند، تنها یکی از نقش‌های متعددی را که به‌طور هم‌زمان دارند تغییر می‌دهند و تجربیات نقش‌های قدیمی را به نقش جدید منتقل می‌کنند (کاندیه و همکاران^۴، ۲۰۲۱).

استمرار یک «نقش قدیمی» برای یک حسابرس با تجربه بایستی قوی باشد چراکه حسابرسان ملزم به پیروی از آئین‌نامه رفتار حرفه‌ای AICPA و اعمال استانداردهای حرفه‌ای دقیق به‌صورت روزانه هستند. این آیین‌نامه تأکید می‌کند که CPA ها بایستی با بی‌طرفی و صداقت عمل کنند، و همچنین عاری از تضاد منافع باشند و هنگام انجام مسئولیت‌های خود مراقبت حرفه‌ای لازم را انجام دهند (AICPA ۲۰۱۸). علاوه بر این، رویه‌های حسابرسی، که تحت تأثیر استانداردهای حسابرسی است، بر اهمیت شک و تردید حرفه‌ای تأکید می‌کند، چراکه حسابرسان نقص‌های کنترلی و شیوه‌های گزارشگری تهاجمی را شناسایی می‌کنند که ممکن است به افزایش خطر تحریف کمک کند. اهمیت شک و تردید حرفه‌ای و نگاه محافظه‌کارانه به فرآیند گزارشگری مالی از طریق تهدیدات دعوی قضایی و اقدامات نظارتی برای حسابرسان تقویت می‌شود. پذیرش این ارزش‌ها توسط حسابرس قوی‌تر می‌شود، هرچه حسابرس برای مدت طولانی‌تری در حسابداری عمومی باقی بماند، مدیران و شرکا کمتر بر وظایف حسابرسی رویه‌ای تمرکز می‌کنند و در عوض، زمان زیادی را صرف آموزش و ارتقای ارزش‌ها در شرکت و نظارت بر کار دیگران برای اطمینان از رعایت استانداردهای حسابرسی مناسب می‌کنند. اثر تجربه حسابرسی بر رفتار فرد نیز ممکن است از دریچه نظریه هویت اجتماعی مشاهده شود (کاندیه و همکاران^۵، ۲۰۲۱).

همان‌طور که قبلاً بحث شد، افرادی که نقش‌های جدیدی را بر عهده می‌گیرند، خاطرات و تجربیات نقش‌های قدیمی را با خود به همراه دارند. این تجربیات احتمالاً به‌عنوان مبنایی برای ارزیابی انتظارات و تصمیمات در نقش‌های جدید عمل می‌کنند. با

¹ Lee et al

² Hevittash et al

³ Moril et al

⁴ Condie

⁵ Condie

گذشت زمان و یادگیری رفتارهای مورد انتظار از نقش جدید، هویت و انتظارات مرتبط با نقش قدیمی کمتر برجسته می‌شود به طوری که تأثیر آن نقش بر رفتار فرد کاهش می‌یابد (لبوف و همکاران^۱ ۲۰۱۷). اگرچه تحقیقات قبلی چارچوب‌های زمانی را برای انتقال نقش پیشنهاد نمی‌کند (احتمالاً به این دلیل که چارچوب‌های زمانی مختص به زمینه هستند)، هر چه فردی با یک تجربه بیشتر حذف شود، احتمال بیشتری وجود دارد که فرد با هویت جدید جایگزین شود، حتی اگر هویت جدید ترجیحات و ارزش‌های متفاوتی را منعکس کند. همین منطق در مورد آموزش و تجربه حرفه‌ای حسابرس به‌طور کلی اعمال می‌شود. یعنی حتی اگر فردی «هویت اجتماعی» حسابرسی قوی نداشته باشد، انگیزه‌های مرتبط با سمت CFO احتمالاً آموزش حسابرسی مربوط به بی‌طرفی، تردید حرفه‌ای و گزارش‌دهی محافظه‌کارانه را در زمان دوری مدیر ارشد مالی از حسابرسی بین می‌برد (لبف و همکاران ۲۰۱۷).

باین‌حال، برای اینکه تخصص گزارش‌دهی باعث افزایش تهور در طول زمان شود، مدیران مالی بایستی باتجربه‌تر شدن، تخصص خود را از دست بدهند. یک دیدگاه جایگزین ممکن است این باشد که انباشت تخصص توانایی مدیر ارشد مالی را برای گزارش متهورانه افزایش می‌دهد. باین‌حال، اگر این دیدگاه «تخصص» واقعاً افزایش تهور گزارش‌دهی را توضیح می‌دهد، این رابطه بایستی بین همه مدیران مالی بدون توجه به تجربه حسابرسی قبلی وجود داشته باشد. به‌طور کلی، یک اثر متمایز برای مدیران مالی حسابرس قبلی از دیدگاه ما حمایت می‌کند که افزایش تهور گزارش‌دهی به کاهش ویژگی برجسته تجربه حسابرسی قبلی نسبت داده می‌شود.

در تحقیقات گذشته، جی و همکاران^۲ (۲۰۱۱) در مطالعه خود در مورد تأثیر سبک گزارشگری مالی متهورانه بر رویه‌های حسابداری خاطرنشان کرد که "از آنجایی که مدیر ارشد مالی ارشد اجرایی در سطح بالایی است که مستقیماً در انتخاب‌های حسابداری دخیل است، تمرکز بر مدیران مالی، آزمون مستقیم‌تری از ارتباط بین سبک مدیر و تصمیمات سطح شرکتی که آن‌ها بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند ارائه می‌دهد." جی و همکاران^۳ (۲۰۱۱) دریافتند که اثرات ثابت گزارشگری مالی متهورانه به‌طور قابل توجهی بر "ابزار" حسابداری تأثیر می‌گذارد که ممکن است برای تحقق اهداف گزارشگری مالی (برای مثال، اقلام تعهدی اختیاری) و همچنین اقدامات مبتنی بر نتیجه که احتمالاً منعکس‌کننده مداخله گزارشگری مالی متهورانه در فرآیند گزارشگری مالی است، استفاده شود. با توجه به موارد مطرح شده هدف این تحقیق بررسی تأثیر تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه می‌باشد که بر این اساس فرضیات زیر تدوین شد:

تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه تأثیر گذار است.

مدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه تأثیر گذار است.

تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر گذار است.

مدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر گذار است.

کاندید و همکاران^۴ ۲۰۲۱ در تحقیقی با عنوان، بررسی تأثیر تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه بیان کردند. طبق آزمون‌های ما، به‌طور میانگین، مدیران مالی که قبلاً مدیران حسابرسی یا شرکای حسابرسی بوده‌اند، نسبت به مدیران مالی بدون تجربه حسابرسی قبلی، گزارشگری متهورانه‌ی کمتری دارند. لذا، ذهنیتی که حسابرسان در طول مدت فعالیت خود در حسابداری عمومی ایجاد می‌کنند - که بایستی به گزارشگری مالی بی‌طرفانه، شفاف و محافظه‌کارانه اهمیت دهد - به نظر می‌رسد زمانی که حسابرسان سمت‌های سطح بالایی را در صنعت می‌گیرند، تداوم می‌یابد. باین‌حال، ما

¹ Lebof et al

² Ji et al

³ Ji et al

⁴ Condie

همچنین دریافته‌ام که رفتار گزارش‌دهی مدیران مالی حسابرس قبلی در طول زمان متهورانه‌تر می‌شود، چراکه تجربه حسابرسی آن‌ها کاهش می‌یابد.

سان وهمکاران، ۲۰۲۰، در تحقیقی با عنوان، محیط کاری و حق الزحمه حسابرسی، تأثیر محیط کار مشتریان حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی و همچنین نقش انعطاف‌پذیری بازار کار ملی در این رابطه را، با استفاده از یک مجموعه داده از ۳۰ کشور در طی دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷ بررسی کردند نتایج نشان داد که حق الزحمه حسابرسی برای شرکت‌هایی که دارای محیط کاری خوبی هستند، به میزان قابل توجهی پایین است، و نشان می‌دهد حساب‌برسان چنین مشتریانی را کم‌ریسک می‌دانند، در نتیجه، حساب‌برسان تلاش کمتری می‌کنند و/یا حق مقابل با ریسک کمتری را درخواست می‌کنند. علاوه بر این، ما دریافته‌ام که این اثر برای شرکت‌های که در کشورهایی با بازار کار انعطاف‌پذیرتر قرار دارند، قوی‌تر است.

حسینی و همکاران، ۱۴۰۰ در تحقیقی با عنوان، تأثیر رفتارهای متهورانه مدیران بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی بیان کردند، با توجه به انواع رفتارهای متهورانه مدیریتی که مدیریت واحد تجاری از خود نشان می‌دهد این استدلال وجود دارد که رفتارهای متهورانه مدیریتی می‌تواند به عنوان یک عامل اثرگذار بر احتمال وجود تقلب در صورت‌های مالی باشد. نتایج پژوهش نشان داد، رفتارهای خوش‌بینانه مدیریت و رفتار نمایندگی مدیریت اثر مثبت معناداری بر احتمال وجود تقلب در صورت‌های مالی دارد. همچنین، نتایج موید آن است که متغیرهای رفتار کوتاه‌بینانه مدیریت و قدرت متهورانه مدیریت تأثیر معناداری بر احتمال وجود تقلب در صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ندارد.

رجبی فر و همکاران، ۱۳۹۹ در تحقیقی با عنوان، بررسی تأثیر گزارشگری مالی متهورانه بر سلب منافع سهامداران اقلیت بیان کردند، با جدایی مالکیت از مدیریت و تهیه صورتهای مالی توسط مدیر، این امکان بالقوه به وجود می‌آید که مدیران تصمیماتی را اتخاذ نمایند که در راستای منافع خود و عکس منافع سهامداران باشد. با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان بیان نمود که گزارشگری مالی متهورانه بر سلب منافع سهامداران اقلیت تأثیرگذار است.

۳- روش‌شناسی پژوهش

تحقیقات بر اساس هدف شامل سه گروه بنیادی، کاربردی و عملی هستند. تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی است؛ این تحقیقات نظریه‌ها، قانونمندی‌ها، اصول و فنون تدوین شده در تحقیقات بنیادی را برای حل مسایل اجرایی و واقعی به کار می‌گیرند. آنچه این تحقیق را به سوی تحقیق کاربردی سوق می‌دهد، این است که نتایج آن می‌تواند مورد استفاده اعضای هیأت مدیره، مدیران، سازمان حسابرسی، مؤسسات حسابرسی، سرمایه‌گذاران، سهامداران، اعتباردهندگان، تحلیل‌گران بازار سرمایه، محققان و دانشجویان قرار گیرد. در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری موضوع و ارائه مطالبی در خصوص پیشینه‌ها و سوابق موضوعی تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود و با مطالعه مقالات و مراجعه به سایت‌های علمی تخصصی و مجلات علمی و پژوهشی، اطلاعات لازم جمع‌آوری می‌شوند و در نگارش مطالب مورد استفاده قرار می‌گیرند. داده‌های مورد نظر پس از جمع‌آوری از طریق نرم افزار اکسل دسته‌بندی و تلخیص شده و سپس متغیرهای تحقیق از طریق نرم افزار ای‌ویوز مورد پردازش و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

جامعه آماری این تحقیق، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. روش نمونه‌گیری، روش غربالگری است. بطوریکه شرکت‌هایی که حائز شرایط نباشند و یا داده‌های آن در دسترس نباشد، از نمونه آماری حذف خواهند شد.

شرکت‌ها باید حائز شرایط زیر باشند:

- جزء بانک‌ها، مؤسسات مالی، سرمایه‌گذاری، هلدینگ و لیزینگ نباشد زیرا به دلیل ماهیت فعالیت خاص آن‌ها، رابطه مولفه‌های مورد بررسی در این پژوهش برای چنین موسساتی متفاوت بوده و قابل تعمیم به سایرین نمی‌باشد.

- شرکت تا پایان سال ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده و طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ از بورس اوراق بهادار نیز خارج نشده باشد.
 - برای رعایت قابلیت مقایسه پذیری، سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفندماه هر سال باشد.
 - شرکت طی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ تغییر سال مالی نداشته باشد.
 - صورت‌های مالی و اطلاعات شرکت‌ها در دسترس باشند.
- بر این اساس و پس از اعمال محدودیت‌های فوق شرکت‌هایی که در دوره زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ شرایط فوق را دارا باشند، به عنوان نمونه آماری انتخاب می‌شوند.

مدل رگرسیون و تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

در ادامه طبق مدل‌های ارائه شده، متغیرها و نحوه اندازه‌گیری آن‌ها ارائه شده‌اند:

مدل رگرسیون تحقیق:

مدل رگرسیونی اول تحقیق بری آزمون فرضیه ۲و۱:

$$DISC WC ACC_{it} = c + \beta_1 CFO PRIOR AUDIT_{it} + \beta_2 \ln cfo tenure_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 SPREEd_{it} + \beta_9 AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل رگرسیونی دوم تحقیق بری آزمون فرضیه ۴و۳:

$$LnAUDITFEES_{it} = c + \beta_1 CFO PRIOR AUDIT_{it} + \beta_2 \ln cfo tenure_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 SPREEd_{it} + \beta_9 AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

(کاندیده وهمکاران^۱، ۲۰۲۱)

روش اندازه‌گیری و تعاریف عملیاتی متغیرهای تحقیق:

متغیرهای وابسته:

DISC WC ACC: گزارشگری مالی متهورانه

معیار گزارشگری مالی متهورانه و در واقع نقطه مقابل گزارشگری مالی محافظه کارانه است به همین دلیل یکی از روشهای مناسب برای اندازه‌گیری آن استفاده از معیار محافظه کاری خان و واتز (۲۰۰۹) به نام ASCORE می‌باشد.

$$C_SCORE = \lambda_{1,t} + \lambda_{2,t} size_{i,t} + \lambda_{3,t} MTB_{i,t} + \lambda_{4,t} lev_{i,t}$$

LnAUDITFEES: حق الزحمه حسابرسی

لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی (کاندیده وهمکاران^۱، ۲۰۲۱)

¹ Condie

متغیرهای مستقل

CFO PRIOR AUDIT: مدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی

(کاندیده وهمکاران، ۲۰۲۱)

LnCFO TENURE: دوره تصدی پست مدیریت مالی

لگاریتم طبیعی تعداد سالهای تصدی پست مدیریت مالی برای مدیر (کاندیده وهمکاران، ۲۰۲۱).

متغیرهای کنترلی

ROA: بازده دارایی: سودخالص تقسیم بر کل داراییها (کاندیده وهمکاران، ۲۰۲۱).

LnSIZE: اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی کل دارایی) (کاندیده وهمکاران، ۲۰۲۱).

MTB: رشد: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (کاندیده وهمکاران، ۲۰۲۱).

LOSS: زیان: متغیر شاخص که اگر درآمد خالص منفی باشد برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است (کاندیده وهمکاران، ۲۰۲۱).

LEVERAGE: اهرم مالی (کل بدهیها تقسیم بر کل داراییها) (کاندیده وهمکاران، ۲۰۲۱)

SPRED: نماد عدم تقارن اطلاعاتی است و تعریف و نحوه اندازه گیری آن بشرح زیر می باشد

عدم تقارن اطلاعاتی: برای محاسبه ی تعیین دامنه ی پیشنهادی خرید و فروش (عدم تقارن اطلاعاتی) از مدل زیر در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است

$$SPREAD_{i,t} = \frac{AP - BP}{(AP + BP)/2} * 100$$

که در آن:

SPREAD: دامنه ی تفاوت قیمت پیشنهادی روزانه خرید و فروش سهام

(AP ASK PRICE). میانگین قیمت پیشنهادی روزانه فروش سهام

(BP BID PRICE) میانگین قیمت پیشنهادی روزانه خرید سهام

LnAGE: عمر شرکت: لگاریتم طبیعی تعداد سالهای شرکت بر حسب سال (کاندیده وهمکاران، ۲۰۲۱).

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی

جدول (۱) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش						
متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
گزارشگری مالی متهورانه	DISC WC ACC	۰/۰۶۶	۰/۱۰۷	۰/۲۵۱	-۰/۴۵۴	۰/۵۴۸
حق الزحمه حسابرسی	LnAUDITFEES	۰/۱۶۲	۰/۰۵۱	۰/۴۷۱	-۰/۴۵۸	۳/۱۰۵
مدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی	CFO PRIOR AUDIT	۲/۲۷۲	۲/۱۵۱	۰/۴۳۳	۰	۱
لگاریتم طبیعی دوره تصدی پست مدیریت مالی	LnCFO TENURE	۲/۲۵۷	۲/۰۱۹	۰/۶۵۱	۲	۴
بازده دارایی	ROA	۰,۱۲۸	۰,۱۰۸	۳/۴۵۳	-۰,۴۹۴	۰,۶۵۲
اندازه شرکت	LnSIZE	۱۴/۶۵۸	۱۴/۵۷۱	۱/۴۴۴	۹/۹۹۶	۲۰/۷۶۸
رشد	MTB	۴,۹۰۷	۳,۷۳۲	۰/۸۵۲	-۴۸,۶۶۸	۷۳,۳۶۱
اهرم مالی	LEVERAGE	۰,۵۸۲	۰,۵۷۹	۰/۱۱۵	۰,۰۳۶	۲,۰۷۷
عدم تقارن اطلاعاتی	SPRED	۰/۸۳۶	۰/۷۵۸	۰/۵۰۹	۰/۰۷۲	۲/۳۹۹
عمر شرکت	LnAGE	۰/۵۳۴	۰/۵۰۸	۰/۴۲۳	۷	۱۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در جدول زیر، میزان فراوانی مطلق و همچنین درصد فراوانی نسبی برای متغیر مجازی این پژوهش، ارائه شده است.

جدول (۲) آمار توصیفی متغیرهای مجازی پژوهش

متغیر	نماد	شرط	فراوانی مطلق	درصد فراوانی
		زیان = ۱	۲۲۹	٪۲۳
زیان	LOSS	سایر = ۰	۵۷۶	٪۷۷
		کل	۸۰۵	٪۱۰۰

آمار استنباطی

آزمون ایم، پسران و شین (مانایی متغیرهای پژوهش)

در داده‌های سری زمانی معمولاً از آزمون‌هایی همچون دیکی- فولر و دیکی - فولر تعمیم یافته برای بررسی مانایی متغیرها (آزمون ریشه واحد) استفاده می‌شود. برای این منظور باید از آزمون ایم، پسران و شین استفاده شود.

جدول (۳) نتیجه آزمون ایم، پسران و شین متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	آماره t	سطح معناداری
گزارشگری مالی متهورانه	DISC WC ACC	-11.048	0.0000
حق الزحمه حسابرسی	LnAUDITFEES	-5.5184	0.0000
مدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی	CFO PRIOR AUDIT	-6.7667	0.0000

0.0000	-31.341	LnCFO TENURE	لگاریتم طبیعی دوره تصدی پست مدیریت مالی
0.0000	-12.558	ROA	بازده دارایی
0.0000	-31.324	LnSIZE	اندازه شرکت
0.0000	-31.325	MTB	رشد
0.0000	-6.0450	LOSS	زیان
0.0005	-4.2801	LEVERAGE	اهرم مالی
0.0000	-10.181	SPRED	عدم تقارن اطلاعاتی
0.0000	-12.031	LnAGE	عمر شرکت

طبق این آزمون، بایستی برای برقراری این فرض، سطح معناداری زیر ۵ درصد باشد. همانگونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌گردد، سطح معناداری و آماره t مربوط به کلیه متغیرهای پژوهش بیانگر مانایی متغیرهای پژوهش می‌باشد.

آزمون وایت

در این آزمون، در صورتی که سطح معناداری کمتر از ۵ درصد باشد، فرض H_0 رد نمی‌شود و اگر سطح معناداری بالای ۵ درصد باشد، فرض H_0 رد خواهد شد و فرض H_1 رد نمی‌شود. نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۴ آورده شده است.

جدول (۴) نتیجه آزمون وایت در سطح اطمینان ۹۵ درصد

مدل	آماره F	سطح معناداری	نتیجه آزمون
مدل اول پژوهش	۶/۰۲۳	۰/۰۰۰	مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد.
مدل دوم پژوهش	۱۲/۱۳۴	۰/۰۰۰	مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد.

آماره دوربین - واتسون و آزمون بروش - گودفری

به طور کلی آماره دوربین واتسون، همبستگی سریالی بین باقیمانده (خطا) های رگرسیون را آزمون می‌نماید. مقدار این آماره بین ۰ تا ۴ تغییر می‌کند. اگر همبستگی بین مانده‌های متوالی وجود نداشته باشد، مقدار آماره آن باید نزدیک ۲ شود. اگر مقدار آماره نزدیک به صفر شود، نشان دهنده همبستگی مثبت بین باقیمانده‌ها و اگر نزدیک به ۴ شود، نشان دهنده همبستگی منفی بین باقیمانده‌های متوالی است. به طور کلی، اگر آماره دوربین - واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار گیرد، می‌توان فرض عدم وجود همبستگی بین خطاهای مدل را پذیرفت (مومنی و قیومی، ۱۳۸۶). طبق نتایج حاصل شده از جدول ۵ میزان آماره دوربین واتسون برای مدل‌های این پژوهش در محدوده ۱/۵ تا ۲/۵ قرار گرفته است.

جدول (۵) نتایج آماره دوربین - واتسون

مدل	مقدار دوربین واتسون	نتیجه آزمون
مدل اول پژوهش	۱/۹۰۵	طبق این آماره، خود همبستگی وجود ندارد.
مدل دوم پژوهش	۱/۶۹۸	طبق این آماره، خود همبستگی وجود ندارد.

همانطور که گفته شد، در این پژوهش برای کشف خودهمبستگی از آزمون بروش-گودفری^۱ نیز استفاده شده است. در این آزمون فرض H_0 و H_1 به شرح زیر مطرح می‌شوند:

H_0 : مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

H_1 : مشکل خودهمبستگی وجود دارد.

در این آزمون، اگر سطح معناداری بالاتر از ۵ درصد باشد، فرض H_0 رد نمی‌شود، اما اگر سطح معناداری کمتر از ۵ درصد باشد، فرض H_1 رد نمی‌شود و خودهمبستگی وجود دارد. نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۶ ارائه شده است

جدول (۶) نتیجه آزمون بروش-گودفری

مدل	آماره F	سطح معناداری	نتیجه آزمون
مدل اول پژوهش	۸/۹۲۷	۰/۰۰۰	مشکل خودهمبستگی وجود دارد.
مدل دوم پژوهش	۲۸/۳۶۹	۰/۰۰۰	مشکل خودهمبستگی وجود دارد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در دو مدل پژوهش، بین خطاهای مدل، مشکل خود همبستگی وجود دارد. البته در هنگام برآورد ضرایب مدل‌ها، با استفاده از راه‌حل ارائه شده توسط افلاطونی (۱۳۹۳) این مشکل برطرف شده است (چگونگی رفع مشکل طبق افلاطونی (۱۳۹۳): اضافه نمودن متغیر $AR(1)$ در هنگام برآورد نهایی مدل که این متغیر برای نرم‌افزار ایویوز تعریف شده است و فقط کافی است که به هنگام برآورد نهایی مدل‌های پژوهش، متغیر $AR(1)$ را به انتهای مدل‌ها اضافه نماییم و با افزودن این متغیر، مشکل خود همبستگی رفع خواهد شد.

انتخاب روش تخمین

برای انتخاب مدل تحلیل داده، داده‌ها می‌توانند به صورت سری زمانی، مقطعی یا ترکیبی باشند. با توجه به اینکه داده‌های این تحقیق از نوع ترکیبی (پنل) می‌باشند، بایستی مشخص شود که از نوع تلفیقی (Pooled) هستند یا تابلویی (Panel)؟ به عبارت دیگر، پس از بررسی فروض کلاسیک رگرسیون، در ادامه باید نوع الگوی برآورد را در نرم افزار ایویوز مشخص کرد و آزمون‌های لازم را جهت انتخاب الگوی برآورد انجام داد. بدین منظور بایستی ابتدا آزمون چاو (F لیمر) را انجام داده و در صورت لزوم (در صورتی که سطح معناداری آزمون چاو، کمتر از ۵ درصد شود) آزمون هاسمن انجام شود:

آزمون چاو^۲

در این آزمون، چنانچه سطح معناداری بالاتر از ۵ درصد باشد، مدل ما تلفیقی (Pooled) می‌باشد و در هنگام برآورد ضرایب رگرسیون، الگوی اثرات مشترک (مقید) بر الگوی اثرات ثابت برتری دارد و دیگر نیازی به انجام آزمون هاسمن نمی‌باشد. اما چنانچه سطح معناداری آزمون چاو کمتر از ۵ درصد شود؛ در این صورت، الگوی مدل تحقیق از نوع تلفیقی نخواهد بود و از نوع تابلویی (Panel) خواهد بود. از آنجایی که الگویی تابلویی به دو دسته‌ی الگوی اثرات تصادفی و الگوی اثرات ثابت تقسیم می‌شود، بنابراین برای تعیین نوع آن (تصادفی یا ثابت) بایستی به سراغ آزمون هاسمن برویم؛ نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۹- ارائه شده است.

^۱ . Breusch-Godfrey

^۲ . Limier (Chow)

جدول (۷) نتایج آزمون چاو

نتیجه	سطح معناداری	آماره	مدل
الگوی تابلویی (Panel) بر تلفیقی (Pooled) برتری دارد.	۰/۰۳۵	۲/۲۶۹	مدل اول پژوهش
الگوی تلفیقی (Pooled) بر الگوی تابلویی (Panel) برتری دارد.	۰/۱۷۹	۱/۴۸۷	مدل دوم پژوهش

همانطور که ملاحظه می‌شود، در مدل اول پژوهش، سطح معناداری آزمون چاو، کمتر از ۵ درصد می‌باشد؛ یعنی الگوی این مدل از نوع تابلویی می‌باشد و برای تعیین نوع تصادفی یا ثابت آن بایستی آزمون هاسمن را انجام دهیم. اما در مدل دوم، سطح معناداری آزمون چاو، بیشتر از ۵ درصد می‌باشد؛ یعنی در این مدل‌ها، الگوی تلفیقی بر الگوی تابلویی برتری دارد و نیازی به انجام آزمون هاسمن نیست؛ زیرا آزمون هاسمن زمانی انجام می‌شود و الگوی مدل تابلویی باشد و برای تعیین نوع ثابت یا تصادفی الگوی تابلویی، بایستی آزمون هاسمن انجام شود.

آزمون هاسمن^۱

در این آزمون، در صورتی که سطح معناداری بالاتر از ۵ درصد باشد، الگوی اثرات تصادفی بر الگوی اثرات ثابت برتری دارد و چنانچه سطح معناداری کمتر از ۵ درصد باشد، الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات تصادفی برتری دارد.

جدول (۸) نتایج آزمون هاسمن

نتیجه	سطح معناداری	آماره	مدل
الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات تصادفی برتری دارد.	۰/۰۰۰	۲۴/۳۶۸	مدل اول پژوهش
الگوی تلفیقی است و نیازی به انجام آزمون هاسمن نمی‌باشد.	-	-	مدل دوم پژوهش

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، برای مدل اول پژوهش، سطح معناداری آزمون هاسمن کمتر از ۵ درصد است؛ یعنی هنگام برآورد این مدل، الگوی اثرات ثابت بر الگوی اثرات تصادفی برتری دارد و از آنجایی که الگوی مدل دوم از نوع تلفیقی است، نیازی به انجام آزمون هاسمن نیست؛ در نتیجه، الگوی مدل اول پژوهش از نوع تابلویی با الگوی اثرات ثابت و الگوی مدل دوم پژوهش از نوع تلفیقی می‌باشند.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

مدل رگرسیونی اول تحقیق بری آزمون فرضیه او۲:

$$DISC WC ACC_{it} = c + \beta_1 CFO PRIOR AUDIT_{it} + \beta_2 \ln cfo tenure_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 SPREEd_{it} + \beta_9 AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

فرضیه اول این پژوهش به این صورت مطرح شد که

H₀: تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه تأثیر گذار نیست.

H₁: تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه تأثیر گذار است.

^۱ . Hausman

نتایج به دست آمده از جدول ۱۱ نشان می‌دهد که سطح معناداری متغیر تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی برابر با ۰/۰۲۶ و مقدار ضریب آن ۰/۱۳۴- می‌باشد. با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد (۰/۰۲۶ > ۰/۰۵)، فرضیه اول تایید می‌شود و با توجه به علامت منفی ضریب به دست آمده، می‌توان استدلال کرد که فرضیه اول در جهت منفی تایید می‌شود و در واقع می‌توان گفت تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه تأثیر منفی و معکوس دارد.

فرضیه دوم این پژوهش به این صورت مطرح شد که

H_0 : مدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه تأثیر گذار نیست.

H_1 : مدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه تأثیر گذار است.

همچنین، نتایج به دست آمده از جدول ۱۱ نشان می‌دهد که سطح معناداری متغیر: مدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی برابر با ۰/۰۰۰۴ و مقدار ضریب آن ۰/۰۸۹- می‌باشد. با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد (۰/۰۰۰۴ > ۰/۰۵)، فرضیه دوم تایید می‌شود و با توجه به علامت مثبت ضریب به دست آمده، می‌توان استدلال کرد که فرضیه دوم نیز در جهت مثبت تایید می‌شود و در واقع می‌توان گفت که مدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه تأثیر گذار است.

جدول (۹) نتایج آزمون مدل اول پژوهش

$$DISC\ WC\ ACC_{it} = c + \beta_1 CFO\ PRIOR\ AUDIT_{it} + \beta_2 LN\ cfo\ tenure_{it} + \beta_3 ROA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MTB_{it} + \beta_6 LOSS_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 SPREEd_{it} + \beta_9 AGE_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته: گزارشگری مالی متهورانه

متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	c	-0.074929	0.255921	-4.200239	0.0000
مدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی	CFO PRIOR AUDIT	-0.134367	0.060589	-2.217703	0.0267
لگاریتم طبیعی دوره تصدی پست مدیریت مالی	LnCFO TENURE	0.089632	0.025410	3.527400	0.0004
بازده دارایی	ROA	0.058953	0.015445	3.816853	0.0001
اندازه شرکت	LnSIZE	0.015722	0.004216	3.729295	0.0002
رشد	MTB	-0.135400	0.058819	-2.301984	0.0216
زیان	LOSS	0.171977	0.012862	13.37124	0.0000
هرم مالی	LEVERAGE	0.032416	0.013273	2.442301	0.0148

0.00257	-7.3139	0.05134	-0.37378	SPRED	نماد عدم تقارن اطلاعاتی
0.00013	3.9578	0.04511	0.17865	LnAGE	عمر شرکت
0.0000	50.04091	0.018358	0.918665	AR(1)	متغیر رفع مشکل خودهمبستگی
36.44667	آماره F		0.283259	ضریب تعیین	
0.000000	سطح معناداری		7548750.	ضریب تعیین تعدیل شده	
			1.905395	دوربین واتسون	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که میزان دوربین واتسون ۱/۹۰۵ است، لذا طبق این آماره، مشکل خود همبستگی مرتبه اول جود ندارد که همانگونه که گفته شد، فقط به این آماره بسنده نمی‌شود و از آزمون بروش گودفری نیز استفاده شده است. همچنین، میزان آماره F (فیشر) ۳۶/۴۴۶ و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) است و چون میزان سطح معناداری زیر خطای ۵٪ است، لذا مدل رگرسیونی خطی چندگانه این پژوهش معنادار است. همچنین، میزان ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۵۷۵ است. این رقم نشان می‌دهد که حدود ۲۷/۵ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین شده است.

فرضیه سوم و چهارم به صورت زیر مطرح شده‌اند:

$$\begin{aligned} \text{LnAUDITFEES}_{it} &= c + \beta_1 \text{CFO PRIOR AUDIT}_{it} + \beta_2 \ln \text{cfo tenure}_{it} + \beta_3 \text{ROA}_{it} + \beta_4 \text{SIZE}_{it} \\ &+ \beta_5 \text{MTB}_{it} + \beta_6 \text{LOSS}_{it} + \beta_7 \text{LEV}_{it} + \beta_8 \text{SPREED}_{it} + \beta_9 \text{AGE}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

جدول (۱۰) نتایج آزمون مدل دوم پژوهش

LnAUDITFEES _{it}				متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی	
= c + β ₁ CFO PRIOR AUDIT _{it} + β ₂ ln cfo tenure _{it} + β ₃ ROA _{it} + β ₄ SIZE _{it} + β ₅ MTB _{it} + β ₆ LOSS _{it} + β ₇ LEV _{it} + β ₈ SPREED _{it} + β ₉ AGE _{it} + ε _{it}				متغیر	✓
سطح معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	نماد	
0.0000	4.560887	0.009790	0.044653	c	مقدار ثابت
0.0000	-13.86450	0.039564	-0.548536	CFO PRIOR AUDIT	مدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی
0.0000	14.91553	0.025011	0.373049	LnCFO TENURE	لگاریتم طبیعی دوره تصدی پست مدیریت مالی
0.0472	1.987119	0.014635	0.029081	ROA	بازده دارایی
0.0082	-2.650607	0.016510	-0.043762	LnSIZE	اندازه شرکت
0.0397	2.060145	0.013768	0.028363	MTB	رشد
0.0000	-	0.035952	-0.214809	LOSS	زیان

5.974947					
0.07791	1.7666	0.01098	0.01856	LEVERAGE	اهرم مالی
0.4358	0.7791	0.0413	0.0324	SPRED	عدم تقارن اطلاعاتی
0.6733	0.421745	0.033164	0.013987	LnAGE	عمر شرکت
0.0008	3.381998	0.085379	0.288752	AR(1)	متغیر رفع مشکل خودهمبستگی
21.67400	آماره F		0.325059		ضریب تعیین
0.000000	سطح معناداری		19289۵0.		ضریب تعیین تعدیل شده
			1.698262		دوربین واتسون

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۱۱ نشان می‌دهد که میزان دوربین واتسون $1/۶۹۸$ است، لذا طبق این آماره، مشکل خود همبستگی مرتبه اول جود ندارد که همانگونه که گفته شد، فقط به این آماره بسنده نمی‌شود و از آزمون بروش گودفری نیز استفاده شده است. همچنین، میزان آماره F (فیشر) $۲۱/۶۷۴$ و سطح معناداری آن $(۰/۰۰۰)$ است و چون میزان سطح معناداری زیر خطای $۵/۰$ است، لذا مدل رگرسیونی خطی چندگانه این پژوهش معنادار است. همچنین، میزان ضریب تعیین تعدیل شده $۰/۵۱۹$ است. این رقم نشان می‌دهد که حدود ۵۲ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین شده است. H_0 : تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر گذار نیست.

H_1 : تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر گذار است.

نتایج به دست آمده از جدول ۱۲ نشان می‌دهد که سطح معناداری متغیر تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی برابر با $۰/۰۰۰$ و مقدار ضریب آن $۰/۵۴۸$ می‌باشد. با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد $(۰/۰۰۰ > ۰/۰۵)$ ، فرضیه دوم تایید می‌شود و با توجه به علامت منفی ضریب به دست آمده، می‌توان استدلال کرد که فرضیه سوم در جهت منفی تایید می‌شود و در واقع می‌توان گفت که تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر منفی و معکوس دارد. فرضیه چهارم:

H_0 : مدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر گذار نیست.

H_1 : مدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر گذار است.

همچنین، نتایج به دست آمده از جدول ۱۲ نشان می‌دهد که سطح معناداری متغیر مدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی برابر با $۰/۰۰۰$ و مقدار ضریب آن $۰/۳۷۳$ می‌باشد. با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد $(۰/۰۰۰ > ۰/۰۵)$ ، فرضیه چهارم تایید می‌شود و با توجه به علامت مثبت ضریب به دست آمده، می‌توان استدلال کرد که فرضیه فرعی چهارم نیز در جهت مثبت تایید می‌شود و در واقع می‌توان گفت که مدت زمان فاصله از تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت دارد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج پژوهش به سهامداران و سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود به این مهم توجه داشته باشند که مدیران مالی که قبلاً مدیران حسابرسی یا شرکای حسابرسی بوده‌اند، نسبت به مدیران مالی بدون تجربه حسابرسی قبلی، گزارشگری متهورانه‌ی کمتری دارند. لذا، ذهنیتی که حسابرسان در طول مدت فعالیت خود در حسابداری عمومی ایجاد می‌کنند، که بایستی به گزارشگری مالی بی‌طرفانه، شفاف و محافظه‌کارانه اهمیت دهد به نظر می‌رسد زمانی که حسابرسان سمت‌های سطح بالایی را در صنعت می‌گیرند، تداوم می‌یابد. همچنین رفتار گزارش‌دهی مدیران مالی حسابرس قبلی در طول زمان متهورانه‌تر می‌شود، چراکه تجربه حسابرسی آن‌ها کاهش می‌یابد. پیشنهاد می‌شود سهامداران و سرمایه‌گذاران از مدیران مالی که قبلاً مدیران حسابرسی یا شرکای حسابرسی بوده‌اند استفاده نمایند تا گزارشگری مالی متهورانه‌تر و بالطبع بازده سهام بیشتر و عملکرد بهتری در نتیجه ارزش بالاتر شرکت منجر خواهد شد.

نتایج آزمون فرضیات تحقیق نشان داد، که هر چه مدیر مالی بیشتر از حسابرسی دور باشد، تجربه حسابرسی قبلی کمتر برجسته می‌شود. و کاهش برجستگی به مرور زمان منجر به گزارش‌های متهورانه‌تر شود. به این ترتیب، هزینه‌های حسابرسی در طول زمان برای این شرکتها افزایش می‌یابد و نشان‌دهنده رو به زوال رفتن تجربه حسابرسی قبلی مدیر مالی رامنعکس می‌کند. بر این اساس به مدیران شرکتها و سهامداران پیشنهاد می‌شود به انتصاب مدیران مالی ای که تجربه حسابرسی دارند و مدت زمان زیادی از این تجربه شان نگذشته است اقدام نمایند تا هزینه‌های حسابرسی کمتر را منجر شوند.

پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

۱. پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران در پژوهش‌های آتی خود، تاثیر تعدیل‌کنندگی نوع صنعت بر رابطه بین تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه را مورد بررسی قرار دهند.
۲. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی تاثیر تعدیلی محیط کنترل گزارشگری مالی بر رابطه بین تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه بررسی گردد.
۳. پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران در پژوهش‌های آتی خود، به بررسی اثر تعدیل‌کنندگی ریسک تجاری بر رابطه بین تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه بپردازند.
۴. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی تأثیر اندازه شرکت حسابرسی مدیر مالی بر رابطه بین تجربه حسابرسی مدیر ارشد مالی بر گزارشگری مالی متهورانه مدیر بررسی گردد.

۷- تعارض منافع

"هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است."

منابع

1. ahmadi,sorosh,saeidali,2018 evaluation of the role of accounting standards in accounting standards and specialization of auditor work on a bold financial reporting ., financial accounting quarterly ۱۶۱- ۱۴۳: ۳۰- ۸[In Persian]
2. American Institute of Certified Public Accountants (AICPA). 2018. Code of Professional Conduct. Available at: <https://pub.aicpa.org/codeofconduct/Ethics.aspx>
3. Burke, J., R. Hoitash, and U. Hoitash. 2019. Auditor response to negative media coverage of client environmental, social, and governance practices. Accounting Horizons 33 (3): 1-23. <https://doi.org/10.2308/acch-52450>
4. Daoust, L., and B. Malsch. 2019. How ex-auditors remember their past: The transformation of audit experience into cultural memory. Accounting, Organizations and Society 77 (August). <https://doi.org/10.1016/j.aos.2019.03.003>

5. Eric R. Condie, Kara M. Obermire, Timothy A. Seidel, Michael S. Wilkins, 2021, Prior Audit Experience and CFO Financial Reporting Aggressiveness AUDITING: A JOURNAL OF PRACTICE & THEORY American Accounting Association, Vol. 40, No. 4 DOI: 10.2308/AJPT-2020-012 November 2021 pp. 99-121
6. Glover, S. M., J. C. Hansen, and T. A. Seidel. 2020. How has the change in the way auditors determine the audit report date changed the meaning of the audit report date? Implications for academic research. Working paper, Brigham Young University and Weber State
7. ibrahimi, cassim ., bahrami ehsan, baghiyan ,jawad 2017, impact of audit quality and stakeholder rights on probability of fraudulent reporting, audit knowledge, ۱۷- ۶۹ : ۱۴۹- ۱۲۵ [In Persian]
8. INSIDE Public Accounting (IPA). 2018. IPA national benchmarking report executive summary. Available at: <https://insidepublicaccounting.com/wp-content/uploads/2018/09/The-2018-IPA-National-Benchmarking-Report.pdf> (last accessed on November 19, 2018).
9. Mirzaei, saeideh, abdoli, abdoreza, 2020, examining the impact of the pessimistic financial reporting on the bold financial reporting : the protection of shareholder rights, the quarterly financial accounting quarterly [In Persian]
10. Shipman, J., Q. Swanquist, and R. Whited. 2017. Propensity score matching in accounting research. The Accounting Review 92 (1): 213-244. <https://doi.org/10.2308/accr-51449>